Family Health and Population Rejuvenation Journal 2026, Volume 1, Issue 1

Willingness to Marry and Its Related Factors Among Students in Esfarayen, North Khorasan Province, Iran

Ahmad Sadeghi[1], Hamid Reza Shoraka[1], Mohsen Shoja[1], Marzieh Mahmudimanesh[2], Razieh Pirouzeh[2*]

[1] Department of Public Health, Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran
[2] Department of Epidemiology and Biostatistics, Faculty of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Article Info:
Received: June 10, 2026
Revised: July 1, 2026
Accepted: September 11, 2026

Keywords:
Demographic factors,
Students,
Willingness to marry

ABSTRACT

Background and Objectives: Marriage is one of the most important decisions in young people's lives, and changing patterns of marriage in Iran have become a social and demographic concern. This study aimed to determine the level of willingness to marry and identify its related factors among students in Esfarayen County, North Khorasan Province, Iran.

Materials and Methods: This descriptive-analytical and cross-sectional study was conducted on 326 students from universities in Esfarayen, North Khorasan Province, Iran, in 2025. Proportionate stratified random sampling was employed. The data collection tool was a questionnaire including a demographic characteristics form and the Prasad Marriage Motivation Questionnaire. Data were analyzed using SPSS software (version 22), non-parametric tests (Mann-Whitney and Kruskal-Wallis), and Spearman's correlation coefficient. A significance level of 0.05 was considered.

Results: A total of 326 participants took part in the study, of whom 169 (51.8%) were female. The mean age of the participants was 21.60 ± 2.80 years (age range: 18–35 years). The mean total score of willingness to marry was 73.62 ± 8.65, which was significantly lower than the cut-off point of 80 ($P < 0.001$). The mean score of men (75.33 ± 9.08) was significantly higher than that of women (72.04 ± 7.93) ($P < 0.001$). Students living in rented houses showed a greater willingness to marry, compared to those living in dormitories and private homes ($P = 0.02$). In contrast, the total score of willingness to marry showed no significant relationship with age ($P = 0.32$), educational level ($P = 0.54$), household size ($P = 0.38$), source of income ($P = 0.17$), family financial status ($P = 0.06$), social media usage ($P = 0.26$), and substance use history ($P = 0.45$).

Conclusion: The level of willingness to marry among students in Esfarayen County is low, and demographic factors, living conditions, and attitudes and beliefs towards marriage play an important role in this regard. The findings emphasize the need to pay attention to gender differences and provide appropriate support to students living in dormitories. Moreover, strengthening positive attitudes towards marriage and providing accurate and realistic information about its advantages and disadvantages can be effective in increasing the willingness to marry.

Citation Sadeghi A, Shoraka H R, Shojae M, Mahmudimanesh M, Pirouzeh R. Willingness to Marry and Its Related Factors Among Students in Esfarayen, North Khorasan Province, Iran. FHPRJ. 2026;1(1):42-50. DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42

Corresponding Author(s):
Razieh Pirouzeh
Address: *Department of Public Health, Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran*
Tel*: +989012042778*
E-mail: *R_pirouzeh@yahoo.com*

© 2026 The Author(s); Published by Esfarayen University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC BY 4.0) (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

مجله سلامت خانواده و جوانی جمعیت
سال ۱۴۰۵، دوره ۱، شماره ۱

مقالهٔ پژوهشی اصیل

رغبت به ازدواج و عوامل مربوط به آن در دانشجویان شهرستان اسفراین، خراسان شمالی

احمد صادقی[۱]، حمیدرضا شرکاء[۱]، محسن شجاع[۱]، مرضیه محمودی منش[۲]، راضیه پیروزه[۱*]

[۱] گروه بهداشت عمومی، دانشکدهٔ علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

[۲] گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های زندگی جوانان محسوب می‌شود و تغییر الگوهای آن در ایران، به یکی از دغدغه‌های اجتماعی و جمعیتی تبدیل شده است. این مطالعه با هدف تعیین میزان رغبت به ازدواج و شناسایی عوامل مرتبط با آن در دانشجویان شهرستان اسفراین، خراسان شمالی انجام شد.

روش‌ها: این مطالعهٔ توصیفی‌تحلیلی از نوع مقطعی، بر روی ۳۲۶ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۴ انجام شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم صورت گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی و مقیاس استاندارد رغبت‌سنج ازدواج پرساد بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۲ و آزمون‌های ناپارامتری (من-ویتنی و کروسکال-والیس) و ضریب هم‌بستگی اسپیرمن تجزیه‌وتحلیل شدند. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: از ۳۲۶ شرکت‌کننده، ۱۶۹ نفر (۵۱/۸ درصد) زن بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۱/۶۰±۲/۸۰ سال (دامنه: ۱۸ تا ۳۵ سال) بود. میانگین نمرهٔ کل رغبت به ازدواج ۷۳/۶۲±۸/۶۵ و به‌طور معناداری کمتر از نقطهٔ برش ۸۰ مشاهده شد (P<۰/۰۰۱). میانگین نمرهٔ مردان (۷۵/۳۳±۹/۰۸) به‌طور معناداری بیشتر از زنان (۷۲/۰۴±۷/۹۳) بود (P<۰/۰۰۱). دانشجویانی که در منزل استیجاری سکونت داشتند در مقایسه با دانشجویان ساکن در خوابگاه و منزل شخصی، تمایل بیشتری به ازدواج نشان دادند (P=۰/۰۲). در مقابل، میانگین نمرهٔ کل رغبت به ازدواج برحسب سن (P=۰/۳۲۱)، مقطع تحصیلی (P=۰/۵۴)، بعد خانوار (P=۰/۳۸)، منبع درآمد (P=۰/۱۷)، وضعیت مالی خانواده (P=۰/۰۶)، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی (P=۰/۲۶) و سابقهٔ مصرف (P=۰/۴۵) مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: میزان رغبت به ازدواج در بین دانشجویان شهرستان اسفراین کم است و عوامل جمعیت‌شناختی، شرایط سکونت، نگرش‌ها و باورها دربارهٔ ازدواج، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. یافته‌ها بر لزوم توجه به تفاوت‌های جنسیتی و ارائهٔ حمایت‌های مناسب به دانشجویان ساکن در خوابگاه‌ها تأکید دارند. همچنین، تقویت نگرش‌های مثبت به ازدواج و ارائهٔ اطلاعات دقیق و واقع‌بینانه دربارهٔ مزایا و معایب آن می‌تواند در افزایش تمایل به ازدواج مؤثر باشد.

اطلاعات مقاله:
دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰
ویرایش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰
پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۰

کلیدواژه‌ها:
رغبت به ازدواج،
دانشجویان،
عوامل جمعیت‌شناختی،

*نویسنده مسئول: راضیه پیروزه
نشانی: گروه بهداشت عمومی، دانشکدهٔ علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
تلفن: ۰۹۰۱۲۰۴۲۷۷۸
پست الکترونیک: R_pirouzeh@yahoo.com

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

مقدمه

ازدواج به‌عنوان نهاد بنیادی و پیمان اجتماعی، در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها، در تکوین خانواده و انتقال ارزش‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند و علاوه‌بر تقویت روابط عاطفی، تأثیرات عمیقی در سلامت روانی و اجتماعی افراد دارد (۱). جوانان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی هر جامعه، در توسعهٔ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کنند و ازدواج از مهم‌ترین تصمیمات زندگی آنان محسوب می‌شود که آثار گسترده‌ای در سلامت فردی، اجتماعی و جمعیتی جوامع دارد (۲). در دهه‌های اخیر، الگوهای ازدواج در بسیاری از کشورها، ازجمله ایران، دستخوش تغییرات قابل‌توجهی شده است. افزایش سن ازدواج، گسترش تجرد قطعی، کاهش نرخ ازدواج و تغییر نگرش جوانان دربارهٔ تشکیل خانواده از مهم‌ترین تحولات مشاهده‌شده در این حوزه هستند (۳، ۴) که پیامدهای جمعیتی، نظیر کاهش نرخ باروری و تغییر ساختار سنی جمعیت را به دنبال دارند و می‌توانند آثار اجتماعی، اقتصادی و روانی گسترده‌ای بر جامعه تحمیل کنند (۵). بسیاری از صاحب‌نظران حوزهٔ خانواده، افزایش سن ازدواج و تأخیر در تشکیل خانواده را یکی از چالش‌های مهم جامعهٔ ایران می‌دانند که در صورت تداوم، می‌تواند پیامدهای نامطلوبی در ابعاد فردی و اجتماعی به‌همراه داشته باشد (۳).

در این میان، «رغبت به ازدواج» به معنای تمایل فرد برای انتخاب همسر و تشکیل زندگی مشترک همراه با پذیرش مسئولیت‌ها، اهداف، ارزش‌ها و پیامدهای ناشی از آن است (۶). این مفهوم از مهم‌ترین پیش‌نیازهای شکل‌گیری ازدواج محسوب می‌شود و تحت‌تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. دوران دانشجویی به‌دلیل قرارگرفتن افراد در مرحلهٔ گذار به بزرگ‌سالی، کسب استقلال نسبی و شکل‌گیری هویت اجتماعی و شغلی، از مهم‌ترین دوره‌های زندگی برای تصمیم‌گیری در زمینهٔ ازدواج به شمار می‌رود. محیط دانشگاه فرصت تعامل با افراد دارای سطح تحصیلی، علایق و اهداف نسبتاً مشابه را فراهم می‌کند و می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌ها و تصمیمات مرتبط با ازدواج نقش مؤثری داشته باشد (۷). مطالعات نشان داده‌اند که نگرش به ازدواج در دانشجویان تحت‌تأثیر فرهنگ و جوّ دانشگاهی قرار می‌گیرد و دانشجویان به‌عنوان کنشگران گذار از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن، به‌سمت ارزش‌هایی حرکت می‌کنند که بر عقل، آزادی فردی و تنوع تأکید دارند (۸).

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که رغبت به ازدواج در میان دانشجویان تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، بین‌فردی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. در سطح فردی و بین‌فردی، عواملی نظیر سن، مشکلات بین‌فردی و کیفیت روابط اجتماعی با رغبت به ازدواج مرتبط گزارش شده‌اند (۷). مطالعات مروری نظام‌مند نیز نشان می‌دهند که آمادگی برای ازدواج تحت‌تأثیر سه دستهٔ کلی عوامل فردی، مالی و اجتماعی قرار دارد (۹). علاوه‌بر این، نگرش افراد به روابط پیش از ازدواج و باورهای مرتبط با تشکیل خانواده می‌تواند در تصمیم آنان برای ازدواج اثرگذار باشد (۱۰). در سال‌های اخیر نیز گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن در نگرش جوانان به روابط عاطفی و خانوادگی، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش رغبت به ازدواج مطرح شده است (۱۱).

در سطح ساختاری و دانشگاهی، شواهد نشان می‌دهد که نگرش به ازدواج در میان دانشجویان رشته‌های مختلف یکسان نیست؛ برخی مطالعات گزارش کرده‌اند که دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی نگرش متفاوتی به روابط پیش از ازدواج و تشکیل خانواده دارند (۱۳). از سوی دیگر، عوامل اقتصادی و اجتماعی نیز در تصمیم‌گیری جوانان برای ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کنند. افزایش هزینه‌های زندگی، مشکلات اشتغال، نبود امنیت شغلی، دشواری تأمین مسکن و نگرانی دربارهٔ آینده اقتصادی ازجملهٔ مهم‌ترین موانع ازدواج در میان جوانان و دانشجویان محسوب می‌شوند. همچنین، افزایش اهمیت تحصیلات دانشگاهی، توسعهٔ فردی و دستیابی به موقعیت‌های شغلی بهتر، به‌ویژه در میان زنان، موجب تغییر در اولویت‌های زندگی و به‌تعویق‌افتادن ازدواج شده است (۱۲).

پژوهش‌های متعددی در ایران به بررسی رغبت به ازدواج و عوامل مرتبط با آن پرداخته‌اند. فلاح‌چای و فلاحی در مطالعه‌ای روی دانشجویان دانشگاه‌های بندرعباس گزارش کردند که اکثریت شرکت‌کنندگان تمایل به ازدواج داشتند و میان این دو جنس در اولویت اهداف ازدواج و نگرش‌ها تفاوت معناداری وجود دارد (۱۳). اسماعیلی و همکاران در دانشگاه علامه طباطبایی نشان دادند که متغیر «دیگران مهم» می‌تواند بازخورد دربارهٔ ازدواج و نمرهٔ کل رغبت را پیش‌بینی کند و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در پیش‌بینی موانع ازدواج نقش دارد (۳). مطالعات کیفی انجام‌شده در دانشگاه‌های قم نیز عواملی نظیر ترس از مشکلات پس از ازدواج، نداشتن استقلال اقتصادی، وابستگی به خانواده، ضعف مهارت‌های ارتباطی، نگرانی از محدودشدن آزادی‌های فردی، دشواری انتخاب همسر مناسب و تمایل به ادامهٔ تحصیل را از مهم‌ترین موانع ازدواج در میان جوانان معرفی کرده‌اند (۱۴).

پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که نگرش جوانان به ازدواج در بسترهای فرهنگی و اقتصادی مختلف دچار تحول شده است. مطالعه‌ای با تحلیل متن محتوای ویبو در چین نشان داد که جوانان چینی نگرش‌های متفاوتی به ازدواج دیرهنگام دارند؛ این نگرش‌ها به‌سمت نیازهای معنوی و انتخاب سبک زندگی حرکت می‌کنند و عوامل اقتصادی و فرهنگی در شکل‌گیری آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند (۱۵). در اروپا، مطالعه‌ای تطبیقی روی پنج کشور (اتریش، جمهوری چک، استونی، آلمان و نروژ) با تحلیل داده‌های پیمایش نسل‌ها و جنسیت نشان داد که نگرش به ازدواج در جمهوری چک و استونی به‌سمت مثبت‌تر شدن حرکت کرده است و ازدواج کمتر «منسوخ» تلقی می‌شود، درحالی‌که در اتریش و نروژ تغییرات

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

جزئی‌تر و به‌سمت نگرش منفی یا خنثی بوده است (۱۶). باوجود مطالعات متعدد در زمینهٔ رغبت به ازدواج، اطلاعات دربارهٔ دانشجویان مناطق کوچک‌تر و شهرهای با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت محدود است؛ زیرا بخش عمدهٔ پژوهش‌ها در شهرهای بزرگ یا مراکز استان‌ها انجام شده‌اند. همچنین، تأثیر هم‌زمان عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی در رغبت به ازدواج در گروه‌های دانشجویی نیازمند بررسی بیشتر است. ازاین‌رو، مطالعهٔ حاضر با هدف بررسی میزان رغبت به ازدواج و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان شهرستان اسفراین انجام شد.

روش‌ها

این مطالعهٔ توصیفی‌تحلیلی از نوع مقطعی است که در سال ۱۴۰۴ روی دانشجویان دانشگاه‌های شهرستان اسفراین (شامل دانشکدهٔ علوم پزشکی اسفراین، دانشگاه پیام نور اسفراین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسفراین و دانشکدهٔ فنی و مهندسی) انجام شد. جامعهٔ پژوهش شامل تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در این دانشگاه‌ها در زمان اجرای مطالعه بود.

معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: ۱. رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش؛ ۲. اشتغال به تحصیل در یکی از دانشگاه‌های شهرستان اسفراین در زمان جمع‌آوری داده‌ها؛ ۳. مجردبودن؛ ۴. مبتلانبودن به بیماری روانی شدید یا مصرف داروهای مؤثر در وضعیت روانی. معیار خروج نیز انصراف از ادامهٔ مشارکت در هر مرحله از پژوهش یا نقص در تکمیل پرسش‌نامه‌ها (بیش از ۱۰ درصد سؤالات بی‌پاسخ) بود.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با درنظرگرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد (Z=۱/۹۶)، حاشیهٔ خطای ۵ درصد (d=۰/۰۵) و نسبت مورد انتظار رغبت پایین به ازدواج براساس مطالعات مشابه (P=۰/۳) محاسبه شد (۱۷). با توجه به محدودبودن جمعیت مورد بررسی، تعداد نمونهٔ مورد نیاز ۲۷۸ نفر برآورد شد. به‌منظور جبران احتمال ریزش نمونه و پاسخ‌ندادن کامل پرسش‌نامه‌ها (۱۵ درصد)، تعداد نمونهٔ نهایی ۳۲۷ نفر تعیین شد. در نهایت، ۳۲۶ پرسش‌نامهٔ کامل وارد تحلیل نهایی شد.

نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای با تخصیص متناسب (Multi-Stage Stratified Random Sampling with Proportional Allocation) انجام شد. جامعهٔ آماری شامل تمام دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های شهرستان اسفراین (شامل دانشکدهٔ علوم پزشکی اسفراین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسفراین، دانشگاه پیام نور اسفراین و دانشکدهٔ فنی و مهندسی اسفراین) در سال ۱۴۰۴ بود. در مرحلهٔ اول، طبقات براساس دانشگاه/دانشکده تعیین شد و سهم هر دانشگاه/دانشکده براساس نسبت تعداد دانشجویان آن به کل جامعهٔ آماری محاسبه و نمونه به‌صورت متناسب به هر طبقه تخصیص یافت (دانشکدهٔ علوم پزشکی اسفراین: ۹۶ نفر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسفراین: ۱۱۵ نفر، دانشگاه پیام نور اسفراین: ۹۰ نفر، دانشکدهٔ فنی و مهندسی اسفراین: ۲۵ نفر). در مرحلهٔ دوم، درون هر دانشگاه/دانشکده، طبقه‌بندی مجدد براساس ترکیب جنسیت × مقطع تحصیلی انجام شد و سهم هر زیرطبقه براساس نسبت آن در جامعهٔ آماری همان دانشگاه محاسبه و تخصیص متناسب صورت گرفت. در مرحلهٔ سوم، درون هر زیرطبقه (جنسیت × مقطع تحصیلی)، نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی ساده از فهرست دانشجویان انجام شد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل دو بخش بود. بخش اول، پرسش‌نامهٔ مشخصات فردی و اجتماعی شامل متغیرهایی نظیر سن، جنس، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، رشتهٔ تحصیلی، وضعیت اشتغال، وضعیت اقتصادی‌اجتماعی خانواده و دیگر متغیرهای زمینه‌ای مرتبط بود.

بخش دوم شامل پرسش‌نامهٔ رغبت‌سنج ازدواج پراساد (Prasad Marriage Motivation Questionnaire) بود. این پرسش‌نامه را حیدری، مظاهری و پوراعتماد طراحی و هنجاریابی کرده‌اند و شامل ۲۴ سؤال است که ۲۳ سؤال آن در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» طراحی شده است و یک سؤال به تعیین سن مطلوب ازدواج اختصاص دارد. این ابزار چهار بعد اصلی را ارزیابی می‌کند: بازخورد دربارهٔ ازدواج (۸ سؤال)، نگرش به پیامدهای ازدواج (۷ سؤال)، آمادگی و تمایل عملی برای ازدواج (۵ سؤال) و موانع ازدواج (۳ سؤال). در سؤالات با بار مثبت (سؤالات ۱، ۲، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲ و ۲۳)، امتیازدهی از ۱ تا ۵ و در سؤالات با بار منفی (سؤالات ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰ و ۲۱) به‌صورت معکوس انجام شد. مجموع امتیازات به‌عنوان شاخص میزان رغبت به ازدواج در نظر گرفته شد؛ به‌طوری‌که نمرات بالاتر نشان‌دهندهٔ رغبت بیشتر به ازدواج بود. نقطهٔ برش نمرهٔ کل رغبت به ازدواج ۸۰ تعیین شده است؛ یعنی نمرات بالاتر از ۸۰ نشان‌دهندهٔ رغبت زیاد به ازدواج و انگیزهٔ کافی برای ازدواج است و نمرات پایین‌تر از آن نشان‌دهندهٔ بی‌رغبتی یا رغبت کم به ازدواج است. در مطالعهٔ اصلی (حیدری و همکاران، ۱۳۸۳)، روایی محتوای ابزار را پنج نفر از استادان روان‌شناسی تأیید کردند و پایایی آن از طریق همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۲ و آزمون-آزمون مجدد با فاصلهٔ دو هفته ۰/۸۹ گزارش شد (۱۸). در پژوهش حاضر، پایایی درونی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ برای نمرهٔ کل پرسش‌نامه ۰/۸۹ به دست آمد که نشان‌دهندهٔ پایایی مطلوب ابزار در مطالعهٔ حاضر است.

پس از اخذ مجوزهای لازم و دریافت تأییدیه اخلاق پژوهش از کمیته اخلاق دانشکده علوم پزشکی اسفراین، پژوهشگر با مراجعه به دانشگاه‌های مورد مطالعه و هماهنگی با مسئولان مربوطه، نسبت به نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها اقدام کرد. پس از توضیح اهداف مطالعه و اخذ رضایت آگاهانه کتبی، پرسشنامه‌ها به صورت حضوری در اختیار دانشجویان قرار

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

گرفت و پس از تکمیل جمع‌آوری شد. به منظور افزایش کیفیت داده‌ها، پرسشنامه‌های تکمیل‌شده از نظر کامل بودن پاسخ‌ها بررسی شدند و موارد ناقص مطابق معیارهای خروج حذف گردیدند. این مطالعه بخشی از طرح مصوب با کد اخلاق IR.ESFARAYENUMS.REC.1401.010 از کمیته اخلاق دانشکده علوم پزشکی اسفراین است. شرکت در مطالعه کاملاً داوطلبانه بود و شرکت‌کنندگان در هر زمان امکان انصراف داشتند. اطلاعات به‌صورت محرمانه نگهداری و داده‌ها بدون درج نام و مشخصات هویتی تحلیل شدند. نتایج صرفاً در قالب یافته‌های گروهی گزارش شد. داده‌ها پس از ورود به نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۲ تجزیه‌وتحلیل شدند. برای توصیف داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد استفاده شد. نرمال‌بودن توزیع متغیر رغبت به ازدواج با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلک بررسی شد. با توجه به برقرارنشدن فرض نرمال‌بودن، برای مقایسهٔ میانگین نمرات رغبت به ازدواج بین دو گروه از آزمون من-ویتنی و برای مقایسهٔ بین بیش از دو گروه از آزمون کروسکال-والیس استفاده شد. همچنین، برای بررسی ارتباط بین متغیرهای کمی و نمرهٔ رغبت به ازدواج از ضریب هم‌بستگی اسپیرمن بهره گرفته شد. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۳۲۶ دانشجو شرکت کردند که از این تعداد، ۱۶۹ نفر (۵۱/۸ درصد) زن بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲/۸۰±۲۱/۶۰ سال بود. از نظر محل سکونت، ۲۷۹ نفر (۸۵/۶ درصد) ساکن شهر بودند. از نظر نوع سکونت، ۱۶۶ نفر (۹/۵۰ درصد) در خوابگاه، ۱۳۵ نفر (۴/۴۱ درصد) در منزل شخصی و ۲۵ نفر (۷/۷ درصد) در منزل استیجاری سکونت داشتند. همچنین، ۲۷ نفر (۳/۸ درصد) دارای منبع درآمد و وضعیت مالی خانواده در ۱۷۲ نفر (۵۲/۸ درصد) متوسط گزارش شد (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی دانشجویان مورد مطالعه (n=۳۲۶)

متغیر		فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۱۶۹	۵۱/۸
	مرد	۱۵۷	۴۸/۲
سن	زیر ۲۰ سال	۱۰۱	۳۱
	۲۰ تا ۲۴ سال	۱۹۷	۶۰/۴
	بیشتر از ۲۴ سال	۲۸	۸/۶
محل سکونت	شهر	۲۷۹	۸۵/۶
	روستا	۴۷	۱۴/۴
نوع سکونت	استیجاری	۲۵	۷/۷
	خوابگاه	۱۶۶	۵۰/۹۰
	شخصی	۱۳۵	۴۱/۴۰
مقطع تحصیلی	کاردانی	۳۲	۹/۸۰
	کارشناسی	۲۹۰	۸۹
	کارشناسی ارشد	۴	۱/۲۰
بعد خانوار	۳ و کمتر	۵۰	۱۵/۳
	۴-۶	۲۵۷	۷۸/۸
	۶ و بیشتر	۱۹	۵/۸
منبع درآمد	دارد	۲۷	۸/۳۰
	ندارد	۲۹۹	۹۱/۷۰
وضعیت مالی	خیلی ضعیف	۱۹	۵/۸۰
	ضعیف	۵۳	۱۶/۳۰
	متوسط	۱۷۲	۵۲/۸۰
	خوب	۶۸	۲۰/۹۰
	خیلی خوب	۱۴	۴/۳۰
	کمتر از ۲ ساعت	۸۵	۲۶/۱۰

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

میزان استفاده از شبکهٔ اجتماعی	بین ۲ تا ۴ ساعت	۱۵۶	۴۷/۹۰
	بیشتر از ۴ ساعت	۸۵	۲۶/۱۰
سابقهٔ مصرف	سیگار	۲۴	۷/۴۰
	قلیون	۳۰	۹/۲۰
	الکل	۱۸	۵/۵۰
	هیچ‌کدام	۲۵۴	۷۷/۹۰

میانگین نمرهٔ کل رغبت به ازدواج در دانشجویان ۸/۶۵± ۷۳/۶۲ گزارش شد. در میان ابعاد پرسش‌نامه، بعد «موانع ازدواج» با میانگین ۲/۰۵ ± ۹/۸۸ (۶۵/۹ درصد از حداکثر نمرهٔ قابل اکتساب) بالاترین درصد نمرهٔ کسب‌شده را به خود اختصاص داد. در مقابل، بعد «نگرش به پیامدهای ازدواج» با میانگین ۳/۴۶ ± ۲۱/۱۴ (۴۰/۶ درصد) پایین‌ترین درصد نمرهٔ کسب‌شده را نشان داد. به‌طور کلی، نمرهٔ کل رغبت به ازدواج ۶۴ درصد از حداکثر نمرهٔ قابل‌اکتساب را تشکیل داد (جدول۲). در نهایت، براساس آزمون رتبه‌های علامت‌دار ویلکاکسون با نقطهٔ برش ۸۰، رغبت به ازدواج به‌طور معناداری کمتر از نقطهٔ برش بود (P<۰/۰۰۱).

جدول ۲. مشخصات ابعاد پرسش‌نامه رغبت به ازدواج و نمرات کسب‌شده (n=۳۲۶)

بعد	تعداد سؤال	حداقل	حداکثر	انحراف معیار± میانگین	درصد نمرهٔ کسب‌شده از حداکثر نمرهٔ قابل‌اکتساب
بازخورد دربارهٔ ازدواج	۸	۸	۴۰	۲۵/۲۶ ± ۵/۳۱	۶۵/۶
نگرش به پیامدهای ازدواج	۷	۷	۳۵	۲۱/۱۴ ± ۳/۴۶	۴۰/۶
آمادگی و تمایل عملی برای ازدواج	۵	۵	۲۵	۱۳/۵۸ ± ۳/۹۰	۵۴/۳
موانع ازدواج	۳	۳	۱۵	۹/۸۸ ± ۲/۰۵	۶۵/۹
نمرهٔ کل رغبت به ازدواج	۲۳	۲۳	۱۱۵	۷۳/۶۲ ±۸/۶۵	۶۴

براساس آزمون من-ویتنی، بین جنسیت و نمرهٔ کل رغبت به ازدواج ارتباط معناداری مشاهده شد؛ به‌طوری‌که میانگین نمرهٔ مردان (۹/۰۸ ± ۷۵/۳۳) به‌طور معناداری بیشتر از زنان (۷/۹۳ ± ۷۲/۰۴) بود (P<۰/۰۰۱). همچنین بین میانگین نمرهٔ کل رغبت به ازدواج در گروه‌های مختلف نوع سکونت اختلاف معناداری مشاهده شد و دانشجویانی که در منزل استیجاری سکونت داشتند در مقایسه با دانشجویان ساکن در خوابگاه و منزل شخصی، تمایل بیشتری به ازدواج نشان دادند (P=۰/۰۲).

در مقابل، بین سن (P=۰/۳۲)، مقطع تحصیلی (P=۰/۵۴)، بعد خانوار (P=۰/۳۸) منبع درآمد (P=۰/۱۷)، وضعیت مالی خانواده (P=۰/۰۶)، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی (P=۰/۲۶) و سابقهٔ مصرف (P=۰/۴۵) با نمرهٔ کل رغبت به ازدواج ارتباط معناداری مشاهده نشد (جدول ۳).

جدول ۳. بررسی ارتباط متغیرهای دموگرافیک کیفی با رغبت به ازدواج دانشجویان مورد مطالعه

متغیر		انحراف معیار± میانگین	P-value
جنسیت*	زن	۷۲/۰۴ ± ۷/۹۳	<۰/۰۰۱
	مرد	۷۵/۳۳ ± ۹/۰۸	
سن	زیر ۲۰ سال	۷۴/۱۹ ± ۸/۲۳	۰/۳۲
	۲۰ تا ۲۴ سال	۷۳/۱۷ ±۸/۸۲	
	بیشتر از ۲۴ سال	۷۴/۷۵ ± ۸/۶۵	
محل سکونت*	شهر	۷۳/۵۰ ± ۸/۹۷	۰/۵۱
	روستا	۷۴/۳۴ ± ۶/۴۰	
	استیجاری	۷۶/۹۲ ± ۶/۱۹	۰/۰۲۱

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

نوع سکونت**	خوابگاه	۷۲/۶۹ ± ۷/۶۱	
	شخصی	۷۴/۱۶ ± ۹/۹۹	
مقطع تحصیلی**	کاردانی	۷۴/۲۵ ± ۸/۷۵	۰/۵۴
	کارشناسی	۷۳/۵۳ ± ۸/۶۹	
	کارشناسی ارشد	۷۵/۲۵ ± ۵/۵۶	
بعد خانوار	۳ و کمتر	۷۴/۴۴ ± ۳/۳۸	۰/۳۸
	۴-۶	۷۳/۴۳ ± ۹/۰۸	
	۶ و بیشتر	۷۴/۱۰ ± ۸/۰۱	
منبع درآمد*	دارد	۷۴/۵۹ ± ۸/۷۴	۰/۱۷
	ندارد	۷۳/۵۴ ± ۸/۶۵	
وضعیت مالی**	خیلی ضعیف	۷۷/۷۸ ± ۹/۵۳	۰/۰۶
	ضعیف	۷۴/۴۱ ± ۹/۷۱	
	متوسط	۷۲/۷۳ ± ۸/۷۵	
	خوب	۷۳/۸۶ ± ۷/۳۹	
	خیلی خوب	۷۴/۷۸ ± ۶/۱۵	
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی**	کمتر از ۲ ساعت	۷۳/۶۴ ± ۹/۲۵	۰/۲۶
	بین ۲ تا ۴ ساعت	۷۴/۵۱ ± ۸/۱۲	
	بیشتر از ۴ ساعت	۷۱/۹۷ ± ۸/۱۲	
سابقهٔ مصرف **	سیگار	۷۱/۴۵ ± ۱۰/۳۸	۰/۴۵
	قلیون	۷۳/۷۳ ± ۸/۳۰	
	الکل	۷۴/۸۳ ± ۶/۸۳	
	هیچ‌کدام	۷۳/۷۳ ± ۸/۶۴	

*آزمون من-ویتنی **آزمون کروسکال والیس

بحث

یافتهٔ اصلی این پژوهش کم‌بودن رغبت به ازدواج در میان دانشجویان شهرستان اسفراین است؛ این یافته با روندهای جمعیتی و اجتماعی گزارش‌شده در سطح ملی و بین‌المللی همسو است؛ به‌طوری‌که مطالعات متعدد در ایران افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج و تغییر نگرش جوانان به تشکیل خانواده را نشان داده‌اند (۲، ۱۷، ۱۹). در سطح ملی، نتایج این پژوهش با مطالعهٔ سلیمانی و همکاران در دانشگاه بابل، که رغبت به ازدواج را در سطح پایین گزارش کردند، هم‌خوانی دارد (۱۷). در مقابل، فلاح‌چای و فلاحی در مطالعه‌ای روی دانشجویان دانشگاه‌های بندرعباس گزارش کردند که اکثریت شرکت‌کنندگان تمایل به ازدواج داشتند (۱۳). این تفاوت را می‌توان ناشی از تفاوت در بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهرهای بزرگ در مقایسه با شهرهای کوچک‌تر مانند اسفراین دانست؛ زیرا در شهرهای بزرگ‌تر، فرصت‌های شغلی و تحصیلی بیشتر، تنوع سبک زندگی و دسترسی گسترده‌تر به شبکه‌های اجتماعی می‌تواند نگرش جوانان به ازدواج را به‌سمت تعویق یا کاهش تمایل سوق دهد.

در سطح بین‌المللی نیز، لیو با تحلیل محتوای شبکهٔ اجتماعی ویبو در چین نشان داد که جوانان چینی نگرش‌های متفاوتی به ازدواج دیرهنگام دارند و این نگرش‌ها به‌سمت نیازهای معنوی و انتخاب سبک زندگی حرکت کرده‌اند (۵). پرداخ اسلادکا نیز در مطالعهٔ تطبیقی پنج کشور اروپایی نشان داد که نگرش به ازدواج در جمهوری چک و استونی به‌سمت مثبت‌ترشدن حرکت کرده، درحالی‌که در اتریش و نروژ تغییرات جزئی‌تر و به‌سمت نگرش منفی یا خنثی بوده است (۱۶). این تنوع در نتایج نشان‌دهندهٔ آن است که نگرش به ازدواج نه نوعی پدیدهٔ جهانی یکسان، بلکه پدیده‌ای وابسته به بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین، نمی‌توان یافته‌های یک منطقه را به‌طور قطعی به مناطق دیگر تعمیم داد و ضرورت توجه به بافت فرهنگی و منطقه‌ای در مطالعات مرتبط با ازدواج را برجسته می‌کند.

تفاوت‌های جنسیتی در رغبت به ازدواج یکی از محورهای اصلی بحث در پژوهش‌های مرتبط است. یافتهٔ حاضر مبنی‌بر رغبت بیشتر مردان در مقایسه با زنان، با برخی پژوهش‌های پیشین همسو است. پژوهش‌های اخیر در اردبیل نشان داده‌اند که نگرش پسران به ازدواج، خوش‌بینانه‌تر و آرمان‌گرایانه‌تر از دختران است (۲۰). همچنین، مطالعهٔ کشاورز و همکاران نشان داد که مردان تمایل بیشتری به ازدواج دارند و آن را به‌عنوان ضرورت اجتماعی و نشانهٔ استقلال تلقی می‌کنند، درحالی‌که زنان نگرانی‌های بیشتری دربارهٔ ازدست‌دادن استقلال و محدودیت‌های پس از ازدواج دارند (۴). در مقابل، این یافته با برخی پژوهش‌های پیشین که نگرش مثبت‌تر زنان را گزارش کرده‌اند در تناقض است (۱). مطالعهٔ اسماعیلی و همکاران در دانشگاه علامه طباطبایی

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

نشان داد که حمایت اجتماعی ادراک‌شده از سوی «دیگران مهم» در زنان و مردان نقش متفاوتی ایفا می‌کند و زنان در آن مطالعه نگرش مثبت‌تری به ازدواج داشتند (۳). در تبیین این تضاد می‌توان به تفاوت‌های نسلی و تحولات نقش‌های جنسیتی اشاره کرد. به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی در رغبت به ازدواج، پدیده‌ای یکپارچه و ثابت نیست، بلکه تحت‌تأثیر تحولات اجتماعی، انتظارات نقش جنسیتی و شرایط اقتصادی و فرهنگی خاص هر منطقه شکل می‌گیرد.

ارتباط معنادار بین نوع سکونت و رغبت به ازدواج یکی دیگر از یافته‌های قابل‌تأمل این پژوهش است. دانشجویانی که در منزل استیجاری سکونت داشتند، در مقایسه با ساکنان خوابگاه و منزل شخصی، تمایل بیشتری به ازدواج نشان دادند. این تفاوت ممکن است ناشی از ویژگی‌های خاص جامعهٔ مورد مطالعه و تفاوت در توزیع امکانات رفاهی و مسکن در شهرستان اسفراین باشد. پژوهش‌های پیشین به‌صراحت بر اهمیت تأمین مسکن و امنیت شغلی به‌عنوان پیش‌نیازهای اساسی ازدواج تأکید داشته‌اند (۱، ۱۹). در این زمینه، وضعیت نامطلوب خوابگاه‌های دانشجویی و نبود استقلال کافی در این محیط‌ها می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده در مسیر تصمیم‌گیری برای ازدواج عمل کند. این یافته ضرورت توجه ویژه به این گروه از دانشجویان را در برنامه‌های حمایتی آشکار می‌کند.

در مطالعهٔ حاضر، هیچ ارتباط معناداری بین متغیرهای سن، مقطع تحصیلی، منبع درآمد، وضعیت مالی خانواده، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سابقهٔ مصرف با نمرهٔ کل رغبت به ازدواج مشاهده نشد. درحالی‌که بسیاری از مطالعات پیشین این متغیرها را به‌عنوان عوامل تعیین‌کنندهٔ رغبت به ازدواج معرفی کرده‌اند. به‌طور خاص، نتایج این مطالعه دربارهٔ وضعیت مالی خانواده با یافته‌های توکلیان و همکاران و کشاورز و همکاران همسو نیست (۴، ۲۰)؛ همچنین، در زمینهٔ میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، یافته‌ها با نتایج لیو و همچنین تئو و سایمون مغایرت دارد (۵، ۱۱). درخصوص سن و مقطع تحصیلی، نتایج با مطالعهٔ سلیمانی تپه‌سری و همکاران همسو است (۱۷)، اما با فلاح‌چای و فلاحی تفاوت دارد (۱۳).

در تبیین این تفاوت‌ها می‌توان به محدودبودن دامنهٔ تغییرات متغیرها در نمونهٔ دانشجوی مورد مطالعه اشاره کرد؛ زیرا اکثر شرکت‌کنندگان در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال، مقطع کارشناسی و با وضعیت مالی متوسط قرار داشتند. همچنین، معنادارنبودن ارتباط با شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به نوع سؤالات پرسش‌نامه و میزان استفادهٔ متفاوت دانشجویان از این رسانه‌ها مربوط باشد. علاوه‌بر این، تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف می‌تواند الگوهای متفاوتی از عوامل مرتبط با رغبت به ازدواج ایجاد کند و نمی‌توان یافته‌های یک منطقه را به‌طور قطعی به مناطق دیگر تعمیم داد.

این پژوهش محدودیت‌هایی دارد که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرند. محدودبودن جامعهٔ آماری به دانشجویان شهرستان اسفراین، تعمیم‌پذیری نتایج را با چالش مواجه می‌کند؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، نمونه‌گیری در سطح استان‌ها و مناطق مختلف کشور صورت پذیرد. همچنین، هرچند استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه امکان جمع‌آوری داده‌های کمی را فراهم می‌کند، از کاوش عمیق در لایه‌های معنایی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در رغبت به ازدواج ناتوان است. انجام پژوهش‌های کیفی با رویکرد پدیدارشناسی یا نظریهٔ زمینه‌ای می‌تواند درک جامع‌تری از تجارب زیستهٔ دانشجویان و سازوکارهای تأثیرگذاری عوامل شناسایی‌شده ارائه دهد. محدودیت مهم دیگر این پژوهش، مقطعی‌بودن آن است. با توجه به اینکه داده‌ها در یک بازهٔ زمانی مشخص جمع‌آوری شده‌اند، امکان بررسی روند تغییرات رغبت به ازدواج در طول زمان و درک پویایی این نگرش وجود ندارد. بنابراین، نمی‌توان روابط علّی بین متغیرها را به‌طور قطعی استنباط کرد و صرفاً می‌توان از هم‌بستگی‌ها سخن گفت. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از طرح‌های طولی، تغییرات رغبت به ازدواج را در طول دوران تحصیل و پس از آن بررسی کنند تا اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ پویایی این نگرش در اختیار برنامه‌ریزان قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که رغبت به ازدواج در میان دانشجویان شهرستان اسفراین در سطحی پایین‌تر از حد مطلوب قرار دارد و این وضعیت تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جمعیت‌شناختی، ساختاری و نگرشی خاص این منطقه شکل گرفته است. مردان در مقایسه با زنان تمایل بیشتری به ازدواج نشان دادند که این تفاوت می‌تواند بازتاب‌دهندهٔ انتظارات متفاوت نقش‌های جنسیتی و نگرانی زنان از محدودیت استقلال فردی باشد. همچنین، دانشجویانی که در منزل استیجاری سکونت داشتند، در مقایسه با ساکنان خوابگاه و منزل شخصی، رغبت بیشتری به ازدواج داشتند که بر اهمیت استقلال مسکن و شرایط رفاهی به‌عنوان پیش‌نیازهای تصمیم‌گیری برای ازدواج تأکید می‌کند. بر این اساس، ضروری است سیاست‌گذاران سیاست‌هایی جنسیت‌محور اتخاذ کنند، شرایط سکونت دانشجویان به‌ویژه در خوابگاه‌ها را بهبود بخشند و مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای مبتنی‌بر اصلاح باورها و نگرش‌های نادرست به ازدواج طراحی کنند. همچنین، فراهم‌سازی تسهیلات اقتصادی، مسکن و اشتغال برای جوانان، همراه با فرهنگ‌سازی مثبت دربارهٔ ازدواج می‌تواند در افزایش رغبت به ازدواج مؤثر باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بدین وسیله مراتب سپاس و قدردانی صمیمانهٔ خود را از تمامی افرادی که در انجام و تکمیل این پژوهش ما را یاری کردند، ابراز می‌کنند. همکاری و همراهی ارزشمند ایشان نقش بسزایی در پیشبرد این مطالعه داشته است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تعارض منافعی در خصوص این مطالعه وجود ندارد.

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]

References

1. Jairoun AA, Al-Hemyari SS, Shahwan M, Karuniawati H, Zyoud SH, Abu-Gharbieh E, et al. Assessing students' knowledge and attitudes regarding the risks and prevention of consanguineous marriage: a cross-sectional online survey. J Multidiscip Health. 2024;17:1251-63. [DOI: 10.2147/JMDH.S449348]
2. Khalili Z, Amirfakhraei A, Zarei E. Future study of psychological factors affecting youth marriage in 2040: an Iranian development perspective. Iran Evol Educ Psychol J. 2022;4(2):364-76. [DOI: 10.52547/ieepj.4.2.364]
3. Esmaeily M, Taherian S, Shahghasemi Z, Rezaeian S. Relationship between dimensions of perceived social support and desire for marriage among academic students. Shiraz E-Med J. 2019;20(12):e86642. [DOI: 10.5812/semj.86642]
4. Keshavarz M, Shariati M, Ebadi A, Behboodi Moghadam Z, Karabay M. Desire and attitude to marriage among unmarried Iranian youth: a qualitative study. Int J Womens Health Reprod Sci. 2018;6:425-31. [DOI: 10.15296/ijwhr.2018.71]
5. Liu Y. Perceptions and attitudes of Chinese youth toward late marriage-text mining based on Sina Weibo content. Commun Humanit Res. 2024;28:91-8. [DOI: 10.54254/2753-7064/28/20230137]
6. Montrose T, Haslam C. Should have known better: the impact of mating experience and the desire for marriage upon attraction to the narcissistic personality. Poster presented at: EHBEA Conference; 2015. [Link]
7. Soleimani TB, Ramezanzadeh AR, Safarpour M, Ramezani H, Rajabalian M, Faraji H. Assessing the willingness to marry among students in Babol in 2023. J Health Field. 2024;12(3):38-44. [DOI: 10.22037/jhf.v12i3.45723]
8. Bagherian Far M, Davarpanah SH. Explaining the relationship between Iranian academic culture and climate with a focus on student marriages. Culture Islam Univ. 2025;15(56):105-34. [DOI: 10.22034/ciu.2025.56.105]
9. Herawati I, Hoesni SM, Manap J, Khatib NAM. A systematic literature review of factors influencing marital readiness. e-BANGI. 2025;22(1):181-92. [DOI: 10.17576/ebangi.2025.2201.14]
10. Saqqezi A, Yazdani Esfidvajani H, Nasr S. The role of marriage expectations in predicting desire for marriage in girl students experiencing relationships with the opposite sex. Rooyesh-e-Ravanshenasi J. 2020;9(9):131-8. [Link]
11. Teo Sze Yong H, Simon A. Perceptions of premarital sex among students at a faith-based university. Hum Behav Dev Soc. 2020;21(1). [Link]
12. Shomoossi N, Sabzevari M, Rad M, Amiri M. The hidden side of students' marriage at an Iranian university: a qualitative study of achievements and barriers. J Res Health. 2022;12(5):319-30. [DOI: 10.32598/JRH.12.5.2024.1]
13. Fallahchai R, Fallahi M. Gender differences in expectations, purposes, and attitudes to marriage in university students. 2019. [DOI: 10.29252/IEEPJ.1.1.42]
14. Khalajinia Z, Abasi M, Khaki I. The lived experiences of student marriage: a phenomenological study. Qom Univ Med Sci J. 2018;12(5):79-89. [DOI: 10.29252/qums.12.5.79]
15. Perdoch Sladká D. Is marriage still outdated? Changing views on marriage and cohabitation in five European countries. Popul Res Policy Rev. 2025;44(6):56. [DOI: 10.1007/s11113-025-09977-9]
16. Haydary M MM, Pouretemad HR. The development and standardization of the marriage interest questionnaire for university students. Iran J Psychol. 2004;8(31):250-61. [Link]
17. Esmaeily M, Taherian S, Shahghasemi Z, Rezaeian S. Relationship between dimensions of perceived social support and desire for marriage among academic students. 2019. [DOI: 10.5812/semj.86642]
18. Ayashm MH. Comparison of attitude to marriage, attitude to life and spiritual attitude in unmarried girls and boys. Fam Health. 2025;14(0):125-36. [Link]
19. Akbari Ghamsari A, Mehdizadeh Moghadam H. Comparative analysis of the attitude to marriage and the factors affecting it among university students and tollabs in Tehran. Iran J Sociol. 2019;20(4):58-85. [Link]
20. Tavakkolian A, Hooshmand E, Nasrollahi Shahri MS, Soltanifar A, Sabouri G, Badieeaval S, et al. Study of social and individual attitudes towards marriage from the perspective of students of Mashhad University of Medical Sciences. Navid No. 2025;27(92):57-69.[DOI: 10.22038/nnj.2025.85219.1470]

[Downloaded from fhprj.esfrums.ac.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.22034/fhprj.1.1.42]